دوشنبه ۹ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۴۰
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دولت بایدن هم در طراحی امنیتی ترور رهبران مقاومت و هم در تسلیح صهیونیست‌ها نقش محوری دارد، آیا او هم پس از پایان دوره‌اش به هدف مشروع مقاومت تبدیل می‌شود؟

به لیست سیاه رفت

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا پس از ۷ اکتبر، «ریاکاری» در تاریخ جهان را به بالاترین میزان خود رسانده است. دولت «جو بایدن»، رئیس جمهور آمریکا از ابتدای جنگ در هر عملیات رژیم صهیونیستی نقشی محوری در پشتیبانی و اجرا ایفا کرده اما ادعا می‌کند از تمام این اقدامات بی‌خبر بوده یا در دقایق پایانی از آنها مطلع شده است. این مواضع در شرایطی اتخاذ می‌شوند که تل‌آویو برای اقدامات خود به‌طور کامل به ابزارهای ساخت آمریکا اتکا دارد. دولت‌هایی که تسلیحات و مهمات آمریکایی را خریداری می‌کنند، طبق قراردادها، این تکنسین و مستشاران آمریکایی‌اند که باید از آنها نگهداری کنند؛ همچنین هرگونه به کارگیری این سلاح‌ها باید طبق توافق باشد. فارغ از آنکه به کارگیری بسیاری از این تسلیحات بدون اجازه لحظه‌ای آمریکا امکان‌پذیر نیست، واشنگتن می‌تواند در صورت سوءاستفاده و تخطی خریدار از قرارداد، او را مجازات کند. صهیونیست‌ها روز جمعه با بمباران مقر حزب‌الله لبنان در ضاحیه بیروت، «سید حسن نصرالله»، دبیرکل این حزب را به وسیله جنگنده‌های نسل پنجم اف-۳۵ و بمب‌های سنگرشکن ویژه که ساخت آمریکا بودند، به شهادت رساندند. اما با این حال آمریکا ادعا می‌کند از تصمیم‌گیری برای چنین عملیاتی بی‌خبر بوده و تنها دقایقی قبل از اجرا، تل‌آویو آنها را در جریان قرار داده است.

شبکه خبری ای.بی.سی گزارش داده است، «لوید آستین» اعلام کرده تنها چند دقیقه مانده به ترور و به شهادت رساندن دبیرکل حزب‌الله لبنان، صهیونیست‌ها آمریکا را از این حمله مطلع کرده بودند. آستین ادعا کرده هنگامی که «یوآو گالانت»، وزیر جنگ رژیم به وی درباره ترور و به شهادت رساندن سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان اطلاع داد، او «عصبانی» شده است زیرا این اتفاق می‌توانسته تعداد زیادی از نیروهای آمریکایی در منطقه را با خطر مواجه کند. او ادامه داده کشورش فرصت کمی برای آماده شدن جهت واکنش احتمالی نظامی به ترور شهید سید حسن نصرالله داشته است.

زنجیره مسائل اما غیرواقعی بودن مواضع آستین را نشان می‌دهند. صهیونیست‌ها بدون اطلاع آمریکا قادر به استفاده از ده‌ها جنگنده آمریکایی و به کارگیری ده‌ها بمب ویژه سنگرشکن ساخت این کشور نبوده‌اند. اگر واشنگتن واقعا نگران آسیب ناخواسته به نظامیانش در منطقه بر اثر اقدامات خودسرانه تل‌آویو است، کنترل بیشتر بر سوءاستفاده صهیونیست‌ها از تسلیحات آمریکایی راهکار مؤثر کنترل رژیم است. با این وجود مقامات آمریکایی نه تنها اقدامی در این خصوص انجام ندادند، بلکه در بیانیه‌هایی از ترور دبیرکل حزب‌الله لبنان حمایت کردند.

حمایت از تروری که برای آمریکا خطرآفرین بود!

رئیس جمهور آمریکا شامگاه شنبه با صدور بیانیه‌ای از ترور نصرالله حمایت کرده و آن را «اجرای عدالت» توصیف کرد. بایدن در حالی که از ترور یکی از مهم‌ترین رهبران مقاومت حمایت کرده بود، ادعا کرد هدفش تنش‌زدایی از غرب آسیا، لبنان و غزه از طریق دیپلماسی است. او همچنین در یک موضع‌گیری خصمانه از آمادگی کشورش برای «مقابله با هرگونه اقدام ستیزه‌جویانه» خبر داد. این موضع‌گیری تهدید تلویحی محور مقاومت است تا دست به انتقام‌جویی حادثه ترور بیروت نزنند. بایدن با این حال تاکید کرد نیروهای آمریکا در منطقه باید در پی جلوگیری از وقوع جنگ فراگیر باشند. کامالا هریس، معاون بایدن که نامزد دموکرات‌ها در انتخابات پیش رو است نیز همزمان و مشابه با وی، با صدور بیانیه‌ای ترور را «اجرای عدالت» توصیف کرد. او در بیانیه خود درحالی مقاومت لبنان را به کشتار غیرنظامیان در منطقه و ایجاد بی‌ثباتی متهم کرد که رژیم صهیونیستی طی ۱۲ ماه گذشته ۴۰ هزار نفر در غزه را به شهادت رسانده است. نیمی از این تعداد، کودکان و زنانند. هریس در بخشی از بیانیه خود تاکید کرده است: «من دارای تعهدی تغییرناپذیر به امنیت اسرائیلم.» بیان این جمله نیز تهدید تلویحی محور مقاومت است. مواضع حمایتی آمریکا نسبت به ترور دبیرکل مقاومت لبنان و تهدید محور مقاومت به اقدام نظامی، در جهتی مخالف با ادعاهای دیگر این کشور درخصوص بی‌خبری از واقعه ترور قرار دارد. این تناقض باید در قالب طرح مشترک آمریکا و رژیم برای منطقه تفسیر شود.

گسترش جنگ دوجانبه نه، یک‌جانبه بله

در جنگ دوطرف به زد و خورد می‌پردازند. اگر در جنگی توازن قوا در اشکال مختلف وجود نداشته باشد، به این دلیل که یک طرف ضربات گسترده‌ای وارد می‌کند بدون آنکه ضربه مؤثری از دشمنش دریافت کند، نبرد به جنگی یک‌طرفه تبدیل می‌شود. این اتفاق می‌تواند در شرایطی مانند ضعف تسلیحاتی یک طرف یا ضعف تصمیم‌گیری در آن بروز کند. به نظر می‌رسد آمریکا درصدد گسترش جنگ در منطقه به شکل یکطرفه آن است. مقامات آمریکایی در طول جنگ طوفان الاقصی بارها ادعا کرده‌اند مخالف گسترش جنگ و وقوع یک نبرد فراگیر در منطقه‌اند اما اقدامات‌شان نیت دیگری را آشکار می‌کند. در حقیقت واشنگتن مخالف جنگی منطقه‌ای است که در آن محور مقاومت نیز به ارائه پاسخ‌های قدرتمند علیه منافع آمریکا و صهیونیست‌ها مبادرت کند؛ با این حال آنها مشکلی با گسترش جنگ به شکل یکطرفه ندارند. پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، آمریکا اقدامات گوناگونی برای مهار پاسخ محور مقاومت و ایران به این اقدام ترتیب داد. ارسال پیام‌های سیاسی با واسطه‌های گوناگون، درخواست میانجیگری از دولت‌های مختلف گرفته تا اعزام نیروها و تجهیزات به منطقه از جمله این تحرکات متنوع بودند. واشنگتن حتی در قالب پیشنهادی از مجموعه‌های بین‌المللی اعلام کرد احتمال آتش‌بس در غزه وجود دارد و اگر ایران خویشتنداری نشان دهد، آتش‌بس حاصل خواهد شد. نتیجه این خویشتنداری اما سوءاستفاده آمریکا و رژیم از آن برای اجرای نقشه اصلی خود بود که طی آن حملات علیه لبنان تشدید شده و سوریه نیز در معرض محاصره قرار گرفت؛ در نتیجه این تحولات سردار نیلفروشان، جانشین شهید زاهدی در فرماندهی سپاه لبنان نیز در بمباران مقر حزب‌الله در بیروت، در کنار سید حسن نصرالله به شهادت رسید. شهید زاهدی، فرمانده پیشین سپاه لبنان، در حمله موشکی رژیم به ساختمان کنسولی سفارت ایران در دمشق به شهادت رسید و جانشین وی نیلفروشان تنها شش ماه پس از آن، در حمله‌ای مشابه در بیروت ترور شد.

اقدامات صهیونیست‌ها پس از ترور هنیه، نه تنها شامل طیف گسترده‌ای از رهبران مقاومت لبنان و فلسطین شده، بلکه به قتل صدها شهروند لبنانی نیز منتهی شد. صهیونیست‌ها تنها در روز دوشنبه هفته گذشته با حملات سنگین، ۵۸۸ شهروند لبنانی را به شهادت رساندند؛ عددی بی‌سابقه از کشتار مردم کشوری طی یک روز. صهیونیست‌ها همچنین با ممنوعیت فرود هواپیما از مسیرهایی خاص در بیروت، بمباران گذرگاه‌های مرزی عراق و سوریه و سوریه با لبنان، این کشور را محاصره کرده‌اند. اقدامات آمریکا در این راستا مورد توجه مقامات ایرانی قرار گرفته است. محمدجواد ظریف، معاون امور راهبردی رئیس جمهور، هفته گذشته در نیویورک در گفت‌وگو با ان‌بی‌سی نیوز به این مساله اشاره کرد که پس از ترور، جامعه جهانی از ایران خواست که به‌منظور پایان دادن به جنگ غزه خویشتنداری کند، اما با وجود گذشت زمان، وعده یک توافق آتش‌بس هرگز محقق نشد. علی مطهری، نماینده ادوار مجلس نیز روز گذشته (یکشنبه) پس از ترور دبیرکل حزب‌الله لبنان این موضوع را بار دیگر مورد تاکید قرار داد.

مطهری در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «تعلل ایران در پاسخ به ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران در حالی که دنیا منتظر پاسخ ایران بود، باعث شد رژیم صهیونی جرأت پیدا کند که سید حسن نصرالله را هم ترور کند. ما فریب آمریکا را خوردیم که پی در پی پیام فرستاد که نزنید هفته دیگر آتش‌بس را برقرار می‌کنیم. «الامور مرهونه باوقاتها».»

اظهارات مقامات و سیاستمداران ایرانی پیش و پس از ترور در بیروت، نشان‌دهنده آگاهی تهران نسبت به نقشه واشنگتن و تل‌آویو برای ایجاد یک جنگ گسترده منطقه‌ای به شکل یک‌طرفه است؛ جنگی که در آن رژیم به‌شدت ضرباتی را روانه دشمنش می‌کند اما در مقابل محور مقاومت بر اثر فشارهای مختلف یا از ارائه پاسخ خودداری کرده یا واکنش‌هایی ضعیف‌تر از حد انتظار از خود نشان می‌دهد.

صدور قبض تنش برای آمریکا

آمریکایی‌ها به دلیل سبک زندگی‌شان با «قبض» آشنایی عمیقی دارند. آنها در زندگی خود با قبوض مختلف و سنگینی مواجهند. آنها اما در اقدامات خود در منطقه و در ازای بهره‌هایی که می‌برند، هزینه‌ای متعادل پرداخت نمی‌کنند. با آغاز جنگ طوفان الاقصی، مقاومت عراق حملات علیه مواضع آمریکا در این کشور و سوریه را شروع کرد. تعداد حملات به پایگاه‌های آمریکا در این دو کشور تا پیش از توقف نزدیک به ۲۰۰ مورد بود. در آن زمان واشنگتن برای کنترل رفتار، فشارهایی به تل‌آویو وارد می‌کرد اما امروزه آمریکا اندکی احساس آسودگی کرده است. به نظر می‌رسد محور مقاومت باید بار دیگر آمریکا را نسبت به اقدامات مسئولیت‌پذیر کند. تا زمانی که آمریکا بیرون گود به کسب منافع بپردازد و ضربه وارد کند، حتی اگر صهیونیست‌ها نفس‌شان بریده شود، تنش و خونریزی ادامه خواهد داشت. باید در نظر داشت، آمریکا در جنگ طوفان الاقصی نه تنها ورودی غیرمستقیم در پناه نام رژیم داشته است، بلکه در یمن پیش از آنکه تل‌آویو قادر به اقدامی باشد، با تشکیل یک ائتلاف وارد نبرد با صنعا شده است.

جرد کوشنر در یادداشتی وقایع پس از ترور شهید سیدحسن نصرالله را تحلیل کرده است

عملیات روانی به سبک داماد

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

بی‌اغراق شهید سید حسن نصرالله شخصیتی استثنایی در وضعیت لبنان، منطقه و در مواجهه با رژیم صهیونیستی و همچنین در رابطه‌اش با ایران محسوب می‌شد. با غیبت نصرالله، مرحله‌ای در تاریخ لبنان و منطقه به پایان می‌رسد و این مساله بدون شک بر روندهای جاری در مواجهه با رژیم صهیونیستی، چه در غزه و چه در لبنان، تأثیر خواهد گذاشت. این گزارش با اشاره به توییت طولانی جرد کوشنر، مشاور رئیس جمهور سابق آمریکا به بررسی ویژگی‌های مرحله پس از نصرالله و پیامدهای شهادت او بر حزب‌الله و منطقه می‌پردازد. کوشنر که یک یهودی و داماد دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکاست، وظیفه پیشبرد طرح صلح ابراهیم برای عادی‌سازی روابط رژیم با کشورهای منطقه و تشکیل ائتلافی از درون آن علیه ایران را برعهده داشت.

مواجهه کنونی در غیاب شهید نصرالله

با ترور سید حسن نصرالله، رژیم صهیونیستی موفقیتی را به دست آورده که در معرکه کنونی به کار خواهد گرفت و احتمالا تصمیمات جسورانه‌تری اتخاذ خواهد کرد؛ ازجمله آغاز یک عملیات نظامی زمینی برای «پاکسازی» چند کیلومتر از خاک لبنان در مرز. چندین مقام صهیونیستی به‌طور مکرر از نیت خود برای انجام این عملیات خبر داده‌اند.

رهبری حزب‌الله ضربه بسیار سختی دیده و شاید بیشتر یا همه آنها به شهادت رسیده باشند؛ گفته می‌شود این ضربه نتیجه یک نفوذ امنیتی است که هنوز نمی‌توان به‌طور قطعی در مورد آن قضاوت کرد زیرا بخش مهمی از موفقیت رژیم در ترورها ناشی از فناوری است. حزب‌الله به زمان قابل توجهی برای بازیابی توانایی و کنترل و بازسازی ساختارها و دستگاه‌های خود نیاز خواهد داشت. در سطح میدانی، حزب‌الله تعداد زیادی از کادرهای انسانی خود را از طریق ترورهای مستقیم، با استفاده از پهپادها و موشک‌های دقیق و همچنین انفجار پیجرها از دست داده است. از سوی دیگر، مشخص نیست که آیا توانایی‌های نظامی اصلی حزب‌الله نیز به‌طور مشابه دچار آسیب یا نفوذ شده یا خیر؛ با توجه به اینکه این توانایی‌ها در گروه‌های رزمی متعدد در چندین مکان توزیع شده‌اند، به احتمال زیاد آنها تاکنون ضربات استثنایی و مخربی را دریافت نکرده‌اند؛ حداقل آن‌گونه که رژیم ادعا می‌کند. حزب‌الله هنوز هم دارای زرادخانه‌ای بزرگ از تسلیحات، ازجمله موشک‌هاست و به همین دلیل به‌عنوان قدرتمندترین سازمان نظامی در منطقه شناخته می‌شود. همچنین توانایی حزب‌الله در جذب، آموزش و تسلیح نیروها بسیار بالاست و حمایت‌ها از سوی ایران نیز ادامه دارد. حزب‌الله از نیروهای جوانی برخوردار است که هنوز به میدان نبرد نرفته‌اند. بیشتر کسانی که کشته شده‌اند، از افراد باتجربه‌اند و تعداد کمی از آنها از نیروهای نسبتا جوانند. به این ترتیب، حزب‌الله همچنان قادر به مقابله نظامی است و احتمالا اگر جنگ زمینی آغاز شود، این موضوع آزمون واقعی قدرت باقی‌مانده او خواهد بود. در زمینه حمایت از غزه، به نظر نمی‌رسد حزب‌الله اعلام کند که این جنگ را متوقف خواهد کرد، به‌ویژه که این جنگ به بخشی از مبارزه خودش تبدیل شده است؛ دفاع از خود و موجودیتش. همچنین جنگ رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله ادامه خواهد داشت.

یادداشت کوشنر در توییتر

جرد کوشنر داماد ترامپ و مشاور او، در یک پست طولانی در ایکس (توییتر سابق) در روز یکشنبه، عملیات‌های رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله را ستایش کرد و گفت که ترور حسن نصرالله، رهبر این گروه در ۲۷ سپتامبر «مهم‌ترین روز در خاورمیانه از زمان توافقات ابراهیم» بوده است. او افزود: «من ساعت‌های بی‌شماری را به مطالعه حزب‌الله اختصاص داده‌ام و هیچ کارشناس جهانی وجود ندارد که فکر کند آنچه رژیم صهیونیستی برای نابودی و تضعیف این گروه انجام داده، ممکن بود.» کوشنر به دولت بایدن و دیگرانی که خواستار توقف درگیری‌ها علیه حزب‌الله می‌باشند، حمله کرد و گفت: «هرکسی که خواستار آتش‌بس در شمال است، اشتباه می‌کند. برای رژیم صهیونیستی هیچ راه برگشتی وجود ندارد. آنها نمی‌توانند در حال حاضر اجازه دهند کار ناتمام بماند و به‌طور کامل زرادخانه‌ای را که به سمت آنها نشانه رفته، نابود نکنند. آنها هرگز شانس دیگری نخواهند داشت.» او همچنین تاکید کرد نابود کردن حزب‌الله تنها مبارزه رژیم صهیونیستی نیست و به بیش از ۴۰ سال پیش اشاره کرد؛ زمانی که این گروه ۲۴۱ نظامی آمریکایی، ازجمله ۲۲۰ تفنگدار دریایی را در مرگبارترین روز برای تفنگداران دریایی از زمان نبرد «ایوو جیما» در جنگ جهانی دوم، کشت.

کوشنر ادامه داد: «در شش هفته گذشته رژیم صهیونیستی به اندازه‌ای از دشمنان تحت تعقیب آمریکا را ترور کرده که ایالات متحده در ۲۰ سال گذشته انجام داده است. یکی از این افراد ابراهیم عقیل بود که طراح کشتن این تفنگداران دریایی در سال ۱۹۸۳ بود.» کوشنر در حمله به ایران اضافه کرد نابود کردن حزب‌الله اهمیت زیادی دارد زیرا «ایران اکنون به‌طور کامل در معرض خطر قرار دارد.» وی همچنین با اشاره به اهمیت حزب‌الله برای ایران نوشت: «اگرچه ایران دفاع هوایی ضعیفی دارد اما تاسیسات هسته‌ای آن هنوز نابود نشده؛ زیرا حزب‌الله با موشک‌هایش یک تفنگ پر به سمت رژیم صهیونیستی بوده است.» او با اشاره به شهادت سید حسن نصرالله و شانزده فرمانده ارشد دیگر در عرض نه روز، گفت: «من شروع به فکر کردن درباره یک خاورمیانه بدون زرادخانه کاملا بازگذاری شده ایران به سمت رژیم صهیونیستی کردم.» کوشنر ادعا کرد: «ایران زمانی که جان‌های متحدهای خود را در خطر می‌اندازد، سخت عمل می‌کند اما در معرض خطر قرار دادن خود را با احتیاط انجام می‌دهد.» او همچنین گفت: «ایران در حال عقب‌نشینی است...» او تاکید کرد: «عدم استفاده کامل از این فرصت برای خنثی کردن تهدید، غیرمسئولانه است.»

حزب‌الله به‌عنوان عامل بازدارنده رژیم صهیونیستی

برای دهه‌ها، حزب‌الله به‌عنوان نیروی متحد نظامی و سیاسی اصلی ایران در لبنان و مناطق اطراف آن شناخته شده است. زرادخانه حزب‌الله که شامل ده‌ها هزار موشک و شبکه‌ای پیچیده از نیروها در لبنان است، به‌عنوان یکی از قوی‌ترین نیروهای غیردولتی نظامی جهان توصیف شده است. به همین دلیل رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، حزب‌الله را به‌عنوان مؤثرترین نیروی بازدارنده ایران تلقی کرده‌اند. این متن یک دلیل استراتژیک مهم را که مدت‌ها بر خودداری نظامی رژیم صهیونیستی در حمله به قابلیت‌های هسته‌ای ایران تأثیر گذاشته، فاش می‌کند. با پذیرش اینکه حزب‌الله عامل بازدارنده‌ای بوده که مانع از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌شد، کوشنر اعتراف می‌کند که دست رژیم صهیونیستی بسته بوده است. ظرفیت نظامی حزب‌الله، به‌ویژه زرادخانه راکت‌هایش و نزدیکی آن به رژیم، به‌عنوان یک عامل بازدارنده قوی عمل کرده و رژیم صهیونیستی را وادار کرده است که از هدف‌گیری مستقیم دارایی‌های ایرانی خودداری کند.

این دیدگاه به درک این نکته کمک می‌کند که حزب‌الله تنها یک متحد برای ایران نبوده بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی دفاعی ایران است. ایران بر حزب‌الله به‌عنوان «یک اسلحه» که به‌سوی رژیم صهیونیستی نشانه رفته، تکیه و اطمینان حاصل کرده هر حمله‌ای به زیرساخت‌های هسته‌ای‌اش با واکنش ویرانگر از لبنان مواجه خواهد شد. حذف حزب‌الله از این معادله از طریق عملیات جاری رژیم صهیونیستی، موقعیت استراتژیک ایران را تضعیف کرده و آن را در معرض خطرات بیشتری قرار می‌دهد. کوشنر تاکید دارد وجود حزب‌الله، رژیم صهیونیستی را از هدف قرار دادن مستقیم زیرساخت‌های هسته‌ای ایران بازداشته است. این بازدارندگی بر این باور استوار بود که حزب‌الله در صورت حمله رژیم یا آمریکا به ایران، حمله‌ای تلافی‌جویانه بزرگ علیه رژیم خواهد کرد. ایران نیز روی تسلیح و آموزش حزب‌الله سرمایه‌گذاری کرده تا در چنین شرایطی از کمک حزب‌الله بهره ببرد.

رد آتش‌بس: فشار برای پیروزی قطعی و طراحی استراتژیک آمریکا

رد کردن قاطعانه هرگونه آتش‌بس توسط کوشنر در درگیری با حزب‌الله نشان‌دهنده اعتقاد این طیف به ضرورت پیروزی کامل است. این رویکرد با استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی همخوانی دارد که به‌دنبال استفاده از لحظات موفقیت نظامی برای از بین بردن تهدیدهای بلندمدت به‌جای قبول آتش‌بس‌هایی است که ممکن است به دشمنان اجازه بازسازی بدهد. کوشنر این نبرد را نه تنها نبرد رژیم صهیونیستی، بلکه بخشی از طرح بزرگ‌تر آمریکا مطرح می‌کند و به حملات تاریخی حزب‌الله علیه نیروهای آمریکایی در لبنان، به‌ویژه بمب‌گذاری پادگان بیروت در سال ۱۹۸۳ که منجر به کشته شدن ۲۴۱ نفر از پرسنل نظامی ایالات متحده شد، اشاره می‌کند. این ایده نشان می‌دهد ایالات متحده به‌طور مستقیم از تلاش رژیم صهیونیستی برای از بین بردن حزب‌الله حمایت می‌کند و آن را بخشی از مبارزه گسترده‌تر علیه نفوذ ایران در منطقه می‌بیند. این رویکرد با تحرکات اخیر سیاست خارجی آمریکا، مانند افزایش فروش تسلیحات به رژیم و تشدید تحریم‌ها علیه ایران همخوانی دارد. رد آتش‌بس موضوع اصلی در متن است که نشان می‌دهد عملیات نظامی کنونی تا زمانی که حزب‌الله به‌طور کامل از بین نرود، ناقص است. این موضع به یک طراحی آمریکایی وسیع‌تر اشاره دارد که خواهان خنثی‌سازی کامل ظرفیت نظامی حزب‌الله به‌عنوان بخشی از یک استراتژی جغرافیایی بزرگ‌تر است.

فراخوان برای اینکه رژیم صهیونیستی «کار را تمام کند» نشان می‌دهد هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی این لحظه را به‌عنوان یک فرصت منحصربه‌فرد برای تضعیف حزب‌الله به‌گونه‌ای می‌دانند که دیگر نتواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده یا تهدید عمل کند و این معنی را می‌دهد که یک آتش‌بس به حزب‌الله اجازه می‌دهد تا دوباره سازماندهی و تسلیح شود و بازدارندگی ایران را حفظ کند. به همین دلیل است که کوشنر فراخوان برای آتش‌بس را «غیرمسئولانه» می‌داند؛ چراکه این کار مانع از دستیابی رژیم به هدف استراتژیک درازمدت تضعیف نفوذ ایران در منطقه می‌شود. این یک بینش مهم به استراتژی آمریکایی و صهیونیستی است که نه تنها به پیروزی‌های نظامی تاکتیکی بلکه به شکل‌دهی مجدد توازن قدرت در منطقه با کاهش تأثیر ایران و متحدهای آن می‌پردازد.

جنگ روانی و درز اطلاعات: تضعیف ایران و حزب‌الله

بخش مهم متن اشاره به درز اطلاعات و نفوذ مخبران ایرانی در حزب‌الله است که به‌عنوان بخشی از کمپین جنگ روانی برای تضعیف روحیه حزب‌الله و ایران مطرح می‌شود.

با ادعای به خطر افتادن توانایی‌های اطلاعاتی ایران، کوشنر تلاش می‌کند فشار روانی بیشتری بر تهران وارد کند. در جنگ مدرن، عملیات اطلاعاتی و تاکتیک‌های روانی به اندازه موفقیت‌های میدان نبرد اهمیت دارند. این ایده که رژیم صهیونیستی به رده‌های بالای حزب‌الله نفوذ کرده، نه تنها روحیه جنگجویان حزب‌الله را تضعیف می‌کند، بلکه درون دستگاه نظامی و اطلاعاتی ایران نیز شک و تردیدهایی ایجاد می‌کند. این تاکتیک به دنبال فرسایش اعتماد درون رده‌های حزب‌الله و ایران است و کارکرد مؤثر آنها را دشوارتر می‌کند. متن همچنین اشاره دارد برخی از شکست‌های اخیر حزب‌الله ممکن است نتیجه خیانت داخلی باشد تا فشار روانی را بیشتر کند. تضعیف اعتماد درون یک سازمان، تاکتیکی است که در تاریخ جنگ‌ها به کار رفته و اغلب اثرات ویرانگری داشته است. با ایجاد شک و تردید در توانایی حزب‌الله برای حفظ اسرار خود، رژیم صهیونیستی به‌طور همزمان جنگ روانی پیچیده‌ای را در کنار عملیات نظامی خود اجرا می‌کند.

خاتمه

به نظر نمی‌رسد ضربات سختی که حزب‌الله تاکنون در سطح رهبری متحمل شده، به‌طور اساسی توانایی‌های نظامی آن را به‌عنوان قوی‌ترین سازمان در محور مقاومت تحت تأثیر قرار داده باشد و جایگاه آن در آینده به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. با این حال، ترور شهید نصرالله افق‌های جدیدی را در لبنان و منطقه برای تغییرات وسیع‌تر گشوده که ممکن است به پروژه‌های بزرگ برای بازسازی وضعیت لبنان و منطقه نیاز داشته باشد.

نتانیاهو این ضربات را یک دستاورد تاریخی و نشانه‌ای از بازگشت قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی تحت رهبری خود می‌داند و ممکن است این دستاورد را به‌عنوان پیروزی معادل و جایگزینی برای پیروزی‌ای که در غزه نتوانسته به دست آورد، به جامعه خود ارائه دهد. اما درخصوص حزب‌الله، هر توصیف جدیدی که از آن و نقش آن در لبنان و منطقه ارائه شود، به عملکرد آن در این جنگ و اینکه پایان آن چگونه خواهد بود، بستگی دارد. به نظر می‌رسد حزب‌الله همچنان به آنچه که دبیرکل سابق خود، سید حسن نصرالله، تاکید کرده، پایبند خواهد بود که جنگ باعث توقف حمایت جبهه لبنان از غزه نخواهد شد، مگر زمانی که جنگ در این منطقه پایان یابد.